اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت یکصد و شصت و سوم)

شیطان (۱)

مدتی است که مشکلاتی در زندگی شخصی خودم پیش آمده است و بعضی گره ها در آن بوجود آمده است. چند روز پیش، شیطان ملعون از طریقی به من هشدار داد (طریقه هشدار شیطان را بعدا خواهم گفت). شیطان ملعون دو راه پیش روی من گذاشت :

۱. مشکلات و گره های زندگی من بیشتر و گسترده تر خواهد شد
۲. حذف کردن مقالات جادوی شیاطین و در آنصورت، بازکردن گره ها و مشکلات من توسط شیطان

منم تصمیم گرفتم که بهتر و جدی تر این مقالات را ادامه دهم. انشالله به امید و یاری خدا، کیدها و حیله های این موجود ملعون و مورد غضب واقع شده، رو خواهد شد. مشکلی که شیطان حلش کند، بهتر است که اصلا حل نشود؛ اگر چه شیطان هیچوقت

هیچ مشکلی را حل نمی کند و همه چیزش حیله و نیرنگ و فریب است. وقتی خدای مهربان و بزرگ هست، شیطان چکار میتواند بکند. شیطان رانده شده است و کاری از دستش بر نمیاید غیر از ترساندن و وعده و وعید.

قبل از ادامه این مطلب، در مورد شیطان نکته مهمی وجود دارد که باید گفته شود:

شیطان کسی نیست که اگر کاری باهاش نداشته باشید، کاری باهات نداشته باشد. شیطان از کسی برای دخالت در کارهایش، اجازه نمی گیرد.

این نکته بسیار مهم، ما را باید به خود آورد تا تاکتیکهایی برای مقابله با او داشته باشیم. بعضی ها میگویند که شیطان وجود ندارد و شرّ و بدی ها همگی از بُعد وجودی خود انسان بر میخیزد. آنان بشدت اشتباه میکنند. شیطان وجود دارد و حتی گاهی بطور مستقیم و غیر مستقیم برای انسان هم پیام و هشدار می فرستد. شیطان در پیامهایش از دو تکنیک استفاده میکند. ترس و وعده دروغ، دو حربه اصلی شیطان برای پیشبرد اهدافش است. این موجود کثیف، در عین حال ترسو است و از نام خدا می ترسد. از روشهای خدای رحمان میترسد. شیطان فقط در محیط کثیف میتواند مستقر شود. در محیط طاهر و پاک نمیتواند لانه کند و اذیت میشود.

وقتی در اینجا از شیطان حرف می زنیم، منظورمان خود شیطان و گاهی روشهای اوست. طریق ضربه زدن شیطان به انسان، در زمان ما مقداری پیچیده تر و غیر

مستقیم تر شده است و دیگر مثل زمانهای قدیم نیست. بطور مثال هر چیزی غیر از خدا، به آن تکیه کنید، از همان ضربه میخورید.

لانه اصلی شیطان، پندار انسانهاست. اگر کوچکترین بدیی را به پندار خویش راه دهید، شیطان مثل زالو خودش را به آن می چسباند و وارد پندار شما خواهد شد. راه دادن پندار بد به روان خویش، یعنی اجازه دادن به شیطان و یا روش شیطانی برای ورود به پندار. شیطان جاهای کثیف میرود. شیطان در مکانهای پاک و طاهر نمیتواند دوام آورد و فرار میکند. زیرا او در آن مکانها اذیت میشود. شیطان اگر در پندار شما لانه کند، کم کم بصورت دیو در زندگی شما ظاهر خواهد شد و به یک مهمان ناخوانده تبدیل میشود.

تمام ادیان حتی هندوئیسم، ایزدی، مهر پرستی (قرنها بعد به میترائیسم تبدیل شد) همگی شیطان را به عنوان موجودی پلید می شناختند. اما از آنجا که آنان با شیطان و روشهای او آشتی کردند، شیطان بمرور وارد دینشان شد. آنان با شیطان آشتی کردند تا که از او به آنها آسیبی نرسد.

ایزدیان میگویند : ما به جز خدا، ملک طاووس (ابلیس یا شیطان) را از آن رو گرامی می‌داریم که او منشا همهٔ پلیدی ها است و باید او را راضی کنیم تا از انتقام او خلاص شویم و به سعادت دنیا و آخرت برسیم.

هندوها هم شیطان را خدای نابودگر و هلاک کننده میدانند. آنها هم مثل ایزدی ها، تهدید شیطان را جدی گرفتند و برای حل موضوع، با شیطان مصالحه کرده اند. شیوا در میان هندوان، همان ملک طاووس ایزدیان است. ولی اگر توجه کنید، شیوا به یکی از سه خدای مهم هندوها تبدیل شده است و خود را در راس هرم قرار داده است. شیطان برای رفتن به راس هرم روشهای خاصی دارد. وقتی مسیحیان، تثلیث را رو کردند، در واقع بدون آن که خود بدانند، شیطان را وارد اصول دینی خود کردند. شیطان از کسی برای ورود (به دین، خانه یا پندار) اجازه نمی گیرد. اگر به او رو دهید و با او مصالحه کنید، سوار سر آدمی هم میشود. شیطان خود را داخل معادلات می اندازد. اکنون شیوه نفوذ شیاطین با قدیم فرق کرده است.

باید شیطان را دشمن خود بدانید و گرنه به شما نفوذ خواهد کرد. هندی ها با شیطان مصالحه کردند، بعد از مدتی، تمام دیوهایی که در مذهبشان بودند، به خدایان آنها تبدیل شدند. شیطان موجودی نیست که اگر کاری باهاش نداشته باشید، باهات کاری نداشته باشد. به همین خاطر خدا دستور می فرماید که شیطان دشمن شماست و شما هم دشمن او باشید. ایزدی ها گفتند که ما شیطان را لعن نمی کنیم تا آسیبی از او به ما نرسد. اما همین تفکر و منطق به ظاهر ساده و بی طرفانه، در طول زمان باعث شد که شیطان به یکی از اصول دینشان رخنه کند. با ایده ها و روشهای غلط و روشهای شیطانی هم باید دشمن باشید و گرنه به استایل زندگیتان تبدیل خواهد شد. وقتی ربا و رشوه را کثیف ندانید، بالاخره به یکی از دغدغه های زندگیت تبدیل میشود و ممکن

است بالاخره روزی از روزها ناخودآگاه به آن متمایل شوید. با روشهای شیطانی نباید مصالحه نمود و گرنه روزی با آن آشتی خواهید کرد و ممکن است از آن استفاده کنید.

همانطور که در اول بحث گفتم، شیطان به من هشدار داد. طریقه هشدار او به من غیر مستقیم بود. از طریق هشدار او فهمیدم که شیطان دیگر قادر به ارتباط مستقیم با انسانها نیست. اما در زمانهای قبل از ما، چنین ارتباط مستقیمی بین انسان و شیطان برقرار بوده است. خوشبختانه خدای عالمیان، بُعد وجودی شیاطین را محدودتر کرده است. اما محدود تر شدن بُعد شیاطین از نظراتی میتواند بعضی ها را فریب دهد. زیرا شیطان به این طریق حیله هایش را نرم تر اجرا میکند. تاکتیکهای شیطان مقداری نرمتر و ایدئولوژی تر شده است. بنابراین شیوه ورود و تسلط شیطان در زمان ما هم فرق کرده است. شیطان کثیف است و همه این را میدانند، زیرا خدای عالمیان او را طرد و لعنت کرده است و مورد غضب خدای بزرگ قرار گرفته است. اما ایدئولوژیها و روشهای او چی؟ آیا عموم مردم اینها را هم کثیف میدانند؟ متاسفانه خیر. اگر گناه را کثیف ندانید و در پندار خویش آرزوی انجام آن را بکنید، اگر چه عملا آن را انجام نداده اید، ولی در این حالت بالاخره و بزودی، آن گناه وارد زندگی شما خواهد شد. زیرا روشهای شیطان منطقی نیستند و از کسی هم اجازه نمی گیرند.

وقتی یکی از آیتمهای پندار، کردار، گفتار آلوده شد، یعنی راه برای نفوذ شیطان هست. شیطان از طریق آلودگی یکی از این سه آیتم، شما را هک میکند. شیطان

خودش را در بک گراوند آلودگی ها می اندازد و این دقیقا مثل عملکرد ویروس کامپیوتری است.

عملکرد ویروس‌های کامپیوتری و مفهوم شیطان ، شباهت‌هایی دارند :

- ویروس‌های کامپیوتری به طور عمدی برای تخریب داده‌ها و سیستم‌ها طراحی شده‌اند. شیطان هم بطور عمد، تخریب میکند.
- ویروس‌ها معمولا به صورت نرم‌افزارهای به ظاهر بی‌ضرر یا حتی مفید منتشر می‌شوند تا کاربران را فریب دهند. شیطان نیز موجودی فریبنده است که ابتدا از ره دلسوزی و نصیحت وارد قضایا میشود.
- ویروس‌های کامپیوتری می‌توانند از یک سیستم به سیستم دیگر در بستر شبکه منتقل شوند. به همین طریق، شیطان از طریق تقلید و چشم و هم چشمی و نگاه های غیر ضروری می‌تواند گناه و فساد را در جامعه گسترش دهد.
- ویروس‌ها می‌توانند عملکرد سیستم‌ها را مختل کنند و باعث بروز رفتارهای غیرعادی در رایانه شوند. در خوبترین حالتش، سیستم را کند میکنند. شیطان می‌تواند بر رفتار انسان‌ها تأثیر بگذارد و آن‌ها را از کار و زندگی می اندازد و در نتیجه به انجام کارهای نادرست وادار می کند.

تمام این مفهومها، به آرامی صورت می گیرد و همراه با یکی از سه آیتم پندار، کردار، گفتار صورت می گیرد. به همین خاطر، خدای مهربان قبل از هر چیزی از ما بک گرواند نیک (پندار نیک) میخواهد؛ تا که شیطان در پشت و لایه های افکار، خیالات وارد نشود. شیطان وقتی وارد لایه پندار شد، دیگر فقط در آن زمینه فعالیت نمی کند، بلکه بمرور تمام پندار شما را می گیرد و بشدت مسری است. شیطان مثل ویروس است و برای نصب اجازه نمی گیرد، بلکه در لابلای تصاویر، فایلها و سایر آیتمها خودش را مخفی میکند و کارهای مخرب خودش را انجام میدهد.

اگر شما لباستان کثیف باشد، فورا آن را می شویید یا عوض میکنید. شما با لباس کثیف بیرون نمی روید. اما آیا همین قاعده و قانون را برای کثیفی پندار هم رعایت میکنید؟ آیا اگر کثیفی به طریقی به ذهن شما راه یافت، فورا غسل و طهارت می کنید.

وَإِمَّا يَنزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ ۚ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٠٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُم مُّبْصِرُونَ ﴿٢٠١﴾

و اگر از شیطان وسوسه‌ای به تو رسد، به خدا پناه بَر، زیرا که او شنوای داناست. (٢٠٠) در حقیقت، کسانی که [از خدا] پروا دارند، چون وسوسه‌ای از جانب شیطان بدیشان رسد [خدا را] به یاد آورند و بناگاه بینا شوند. (٢٠١)

یاد و نام خدا پاک کننده است. افکار و خیالات و تمام چیزهایی که کثیف است را باید رها کنید و گرنه طهارت ندارید. اگر چه لباس شما تمیز است، ولی طهارت باطنی ندارید. پندار آدمی میتواند به لانه شیاطین تبدیل شود.

شما نمی توانید با شیطان مصالحه کنید. زیرا او دقیقا طبق ایدئو لوژی خودش پیش می رود. ایدئولوژی شیطان دشمنی با بنی آدم و ریشه او را زدن است و این قانون برای شیاطین غیر قابل تغییر است. مصالحه با شیطان، یعنی اجازه دادن به او برای تخریب در پندار تو.

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ أَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا ﴿٦١﴾ قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَٰذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَئِنْ أَخَّرْتَنِ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَأَحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٦٢﴾

و هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید» پس [همه] جز ابلیس سجده کردند. گفت: «آیا برای کسی که از گل آفریدی سجده کنم؟» (۶۱) [سپس] گفت: «به من بگو: این کسی را که بر من برتری دادی [برای چه بود]؟ اگر تا روز قیامت مهلتم دهی قطعاً فرزندانش را -جز اندکی [از آنها]- ریشه‌کن خواهم کرد.» (۶۲)

قانون شیطان این است که بنی آدم را از ریشه بزنند. تمام کارهای دیگرش هم فریب است و برای دستیابی به این موضوع است. یک موش برای ورود به خانه شما، از شما

اجازه نمی گیرد، زیرا اجازه گرفتن جزو مرامنامه اش نیست. پس باید خودتان کاری کنید و تمهیداتی فراهم کنید تا که موش وارد خانه شما نشود. خدا می فرماید که شیطان دشمن شماست، پس شما هم دشمن او باشید. دشمنی با شیطان دو طرفه است. یعنی هیچوقت صلحی در کار نیست.

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا ۚ إِنَّمَا يَدْعُو حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴿٦﴾

در حقیقت، شیطان دشمن شماست، شما [نیز] او را دشمن گیرید. [او] فقط دار و دسته خود را می‌خوانَد تا آنها از یاران آتش باشند. (۶)

پس باید آدمی خودش مواظب خودش باشد و گرنه شیطان از کوچکترین نقطه نفوذی استفاده می برد و کار خودش را انجام میدهد. مقایسه کردن نفوذ شیطان با موش، فقط جهت درک مطلب است و گرنه آدمی حتی اگر تمام عمرش با موش زندگی کند، بهتر از این است که حتی یک ثانیه با شیطان باشد. یکی میگفت که مدتی در خانه شان موش پیدا شده بود و تعدادی موش از گوشه دیوار خانه وارد خانه شده بود. حتی سیمان هم بکار میبرد، بیفایده بود و موشها سیمان را هم می جویدند و دوباره سوراخ میکردند. تا اینکه با مشورت با دیگران راه حلی پیدا کرد و داخل سیمان خرده شیشه و براده آهن ریخت و بعد، این مخلوط را داخل سوراخها ریخت. اینبار موش

نمی توانست سیمان را بجود زیرا خرده شیشه، دهن او را زخمی میکرد. به این طریق از آن روز به بعد، دیگر موشها وارد خانه اش نشدند.

برای کنترل شیطان هم که وارد ذهن شما و خانه شما نشود، باید از بازدارنده هایی استفاده کنید. تعدادی از بازدارنده ها:

- **هر کاری را با نام و یاد خدا شروع کنید.**
- **در نظام رحمانی زندگی کنید و از روشهای درمان او بهره برید. زیرا روشهای دیگر، ذهن شما را نسبت به خدا بدبین میکند و غیر خدا را برای شما مهم جلوه میدهد.**
- **ربا، رشوه و سایر شیوه های شیطانی را بکار نبرید.**
- **پرخوری نکنید، اسراف نکنید.**
- **سمت دعانویسی نروید و از اشیاء و تصاویر، تبرک سازی نکنید.**
- **خانه را پاک نگهدارید. (خانه)**

بطور کلی، اگر انسان از راه راست برود، دیگر شیطان نمیتواند به او دسترسی یابد. ما روزانه در نمازهای پنجگانه خود، از خدا میخواهیم که ما را به راه راست هدایت کند (اهدنا الصراط المستقیم). شیطان با کسی دوست نیست و حتی اگر ادعای دوستی هم بکند، برای این است که او را قربانی کند و انرژی اش را بگیرد. همانطور که خیلی ها (حلاج و ...) را در طول تاریخ فریب داد و آنان را قربانی خود کرد.

یکی از روشهای جذب شدن به شیطان، راه حلهای دروغین است. راه حلهای دروغین چیزی مثل قسم دروغ است. یکی از دلایل قسم دروغ خوردن، رسیدن به هدف به هر وسیله ای است. ربا، رشوه هم جزو راه حلهای دروغین هستند. وقتی برای امورات خود، راه حل دروغین بکار ببرید، یعنی با روشهای شیطان آشتی کرده اید. همان ایده ای که ایزدی ها و هندوها نسبت به شیطان دارند. آنان هم در زمان خودشان با شیطان آشتی کردند تا که کارشان راه بیفتد.

برادران یوسف، برای جلب توجه پدر خود، هیچ راه حلی به ذهنشان نمی رسید و به بن بست رسیده بودند. در این حالت آنها تصمیم گرفتند، بطور اضطراری و فقط برای همین یکبار با روش شیطانی، این مشکل را حل کنند ولی بعدش آدمهای خوبی میشوند. یکی از آنها گفت: «یوسف را بکُشید یا او را به سرزمینی بیندازید، تا توجّه پدرتان معطوف شما گردد، و پس از او مردمی شایسته باشید (وَتَكُونُوا مِن بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ**).**

اقْتُلُوا يُوسُفَ أَوِ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ وَتَكُونُوا مِن بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ ﴿٩﴾

[یکی گفت:] «یوسف را بکُشید یا او را به سرزمینی بیندازید، تا توجّه پدرتان معطوف شما گردد، و پس از او مردمی شایسته باشید.» (۹)

برادران یوسف یکبار با روش شیطانی مصالحه کردند، ولی تا آخر عمرشان گرفتار شدند. شیطان موجودی نیست که بی منت به کسی کمک کند. روش حلهای شیطان برای به دردسر انداختن انسانهاست. آنان ظاهرا فقط برای یکبار از روش شیطان استفاده کردند ولی همین یکبار برای شروع دردسرهای عجیب و غریب کافی بود.

یکی بود مردم پیشش میرفتند تا زخمهایشان را درمان کند. او هم روی زخم، آب دهانش همرا با خاکستر می گذاشت، ظاهرا بعضی مواقع زخم خوب میشد. البته این بخاطر خاصیت ضدعفونی کننده خاکستر بود. ولی شیخ به عنوان کرامات خودش بحساب میاورد. بعضی ها از جهالت مردم سوء استفاده میکنند و از این راه عزت و کرامت برای خود می خرند. این ها هم روشهایی شیطانی هستند که با نام غیر خدا انجام میشود و بعضی دعانویسان و افراد دیگر برای خریدن عزت و کرامت استفاده میکنند. آنها نمی دانند که عزت و کرامت خریدنی و کسب کردنی نیست و بلکه فقط خداست که عزت و کرامت میدهد (تُعِزُّ مَن تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَن تَشَاءُ = هر که را خواهی، عزت بخشی؛ و هر که را خواهی، خوار گردانی). اما اینگونه افراد که کرامات برای خود می تراشند؛ در جهنم از وجه بهترش به آن خواهند رسید.

ذُقْ إِنَّكَ أَنتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ ﴿٤٩﴾

بچش که تو همان ارجمند بزرگواری! (۴۹)

روشهای شیطانی، خاصیتهای پاک کنندگی خاکستر و آب و آتش و سایر اجزای طبیعت را با نام خود تمام میکنند. یکی از خاصیتهای مهم خاکستر، ضد عفونی کنندگی است. در زمانهای قدیم که مایعات شیمیایی جهت شستشو نبود، بوسیله خاکستر ظرفها را می شستند و جالب است که بهتر از مایعات شیمیایی امروزی آن را برق می انداخت. در زمان قدیم، نوعی صابون از ترکیب خاکستر و روغن درست میکردند که بهتر از صابونهای شیمیایی عمل میکرد. اما خاصیت ضدعفونی کنندگی و یا تمیزکنندگی این ترکیبها بخاطر خاصیتهای خاکستر است و ربطی به کرامات افراد ندارد. خاکستر حتی به عنوان منبع پتاسیم هیدروکسید در تولید صابون‌های طبیعی استفاده می‌شود. این فرآیند به تولید صابون‌های ارگانیک و بدون مواد شیمیایی کمک می‌کند (فواید جالب خاکستر). این فواید ربطی به کرامات افراد ندارد. این افراد خاصیتهای مفید مواد طبیعی را با نام خود و یا طریقت خود تمام میکنند. به این می گویند جهالت و بدبختی. این آقایان برای خود کرامت و عزت می خرند؛ از طرف دیگر ایمان مردم را می دزدند و مردم فکر میکنند که غیر ازخدا، کسانی دیگر هم میتوانند شفا دهند.

در جامعه ایران باستان، همیشه درمانگران به دو گروه تقسیم میشدند. گروهی که در روشهای درمانی، دنبال حکمت و روشهای رحمانی بودند. این گروه حکیم نامیده میشدند. اما گروه دیگری که مغ نامیده میشدند، از خاصیتهای طبیعی مواد سوء

استفاده کرده و آن را به نام خود تمام میکردند. به همین خاطر، مغها جادو گر هم نامیده میشدند. آنها حتی ماده مخدر با ترکیباتی جادویی به مردم میدادند و آن را به عنوان کرامات برای خود بحساب می آوردند. روش مِهرپرستی ایران باستان، مُغ و جادوگر تولید میکرد. مغها دنبال کرامت و عزت دنیایی بودند. بنیاد دعانویسی به زمان ایران باستان و زمان مهرپرستی بر میگردد که مغان اینکار را میکردند. در مورد مغان، به جادوهایی اشاره شده است که به منظور جلب عشق و محبت دیگران انجام می‌شدند. مغها در زمینه درمان، باروری و حفاظت؛ بعضی دعاها و نیایشها انجام میدادند تا مورد حمایت ایزدان قرار گیرند و تمام این مراسمها یک نوع جادو بوده است.

کسب کرامت و عزت به روشهای شیطانی حتی به شرکتها و صنایع مختلف راه پیدا کرده است. شرکت کوکاکولا تا مدتها، توی نوشابه هایش درصد کمی ماده مخدر کوکائین میریخت و همین باعث جذب بیشتر مردم به آن می شد و این شرکت، همین را به عنوان راز و سرِّ تهیه آن، مخفی نگه میداشت. راز و سری که شرکت به آن می بالید، یک ماده مخدر بود که به مردم میخوراند! در اوایل قرن بیستم، با افزایش آگاهی عمومی درباره مضرات مخدرات، شرکت کوکاکولا مجبور به حذف کوکائین از فرمول خود گرفت. اکنون مغها، دیگر از قالب فرد بیرون آمده اند و حتی شرکتها هم میتوانند مغ باشند.

از این مثالها زیاد میتوان زد. شیطان میخواهد واقعیتها را بپوشاند و مفاهیم و معانی را طور دیگری بنمایاند. خاصیت ضدعفونی کننده خاکستر را با نام شیخ تمام میکند. خاصیت تسکین دهندگی داروها را با نام مُغها تمام میکند. به این طریق در هر زمینه ای، الهه هایی درست میکند و مردم را به اینها مشغول میکند.

كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦﴾

چون حکایت شیطان که به انسان گفت: «کافر شو.» و چون [وی] کافر شد، گفت: «من از تو بیزارم، زیرا من از خدا، پروردگار جهانیان، می‌ترسم.» (۱۶)